

در حاشیه ترجمه قرآن

ابوالقاسم پاینده



علیرضا ذکاوتی قراگزلو

ترجمه قرآن به قلم ابوالقاسم پاینده در زمان خودش کار بسیار برجسته‌ای بود و هم اکنون نیز پس از گذشت حدود چهل و پنج سال باز هم از ترجمه‌های خوب و قابل اعتماد قرآن است، و البته مثل هر کار بشری، عاری از لغزش‌های کوچک و بزرگی نیست. چون پاینده سالهاست مرحوم شده و دیگر توهم حب و بغض نمی‌رود و این ترجمه هم گاهی تجدید چاپ می‌شود، لذا بعضی نکات را که از سالها قبل به تفاریق در حاشیه این ترجمه به قلم آورده‌ام در این گفتار پاکوئیس و از نظر خوانندگان آن نشریه‌ی وزین می‌گذرانم.

نکته بسیار مهم این است که گاهی متن مورد استفاده مرحوم پاینده که همان قرائت و کتابت مشهور قرآن است با ترجمه او سازگار نیست و معلوم می‌شود قرائت شاذی را مورد توجه قرار داده است، به یکی دو مورد از این قبیل اشاره خواهد شد. جالب است که مرحوم استاد مطهری در مقاله‌ای که در مجله یغما، شماره ۱۱۸ به چاپ رسیده و در بینات شماره ۱۲ تجدید چاپ شده



است، به همین نکته اشاره کرده است.

- سوره بقره آیه ۷۶

«افلا تعقلون» را «آیا به عقل نیامده اید» ترجمه کرده که وجه ماضی دانسته نشده، در بصائر یمینی (قرن ششم) آن را چنین ترجمه کرده است: «آیا هیچ نمی اندیشید و هوش نمی دارید؟» (ص ۹۶).

- سوره بقره آیه ۱۶۴

«اختلاف الليل والنهار» را «تفاوت شب و روز» معنی کرده، شاید «از پی هم در آمدن شب و روز» مناسب تر باشد. در ترجمه کهن شنقشی (ص ۲۹) آمده است: «اندر آمدن شب و روز و کم و بیش آن».

- سوره نساء آیه ۴۹

«بل الله یزکی من یشاء» ترجمه نشده است.

- سوره نساء آیه ۸۰

«و من تولى فما ارسلناک علیهم حفیظا» ترجمه نشده است

- سوره اعراف آیه ۱۳۱

«فاذا جاءتهم الحسنة... و ان تصبهم سيئة» در ترجمه «الحسنة» را نکره و «سيئة» را معرفه معنی کرده است.

- سوره هود آیه ۳۱

«اذأ» را به «و گرنه» ترجمه کرده، و حال آنکه «در این صورت» بهتر است.

- سوره هود آیه ۲۷

«بادی الرأی» را به کلی معنی نکرده است.

- سوره هود آیه ۶۶

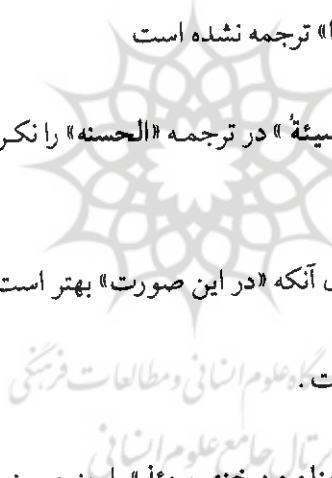
«نجینا صالحاً و الذین آمنوا معه برحمة منا و من خزى یومئذ» را چنین معنی کرده: «صالح را با کسانی که بدو ایمان آورده بودند به رحمت خویش از خواری آن روز رهانندیم» که ملاحظه می شود «و» قبل از کلمه «خزى» را معنی نکرده است. در ترجمه کهن تاج التراجم (قرن پنجم) می خوانیم: «رهانیدیم صالح را و آن کسانی را که ایمان آورده بودند؛ او، به رحمتی از ما و از خواری آن روز». ضمناً پاینده «معه» را «بدو» ترجمه کرده است.

- سوره هود آیه ۷۳

در فقرة «انه حمید مجید» ترجمه کلمه «مجید» نیامده است.

- سوره هود آیه ۱۰۳

«ذلک یوم مجموع له الناس» را «آن روزی است که مردمان فراهم شوند» معنی کرده و «له» از



مجله علمی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه جا مانده است .

- سوره هود آیه ۱۱۱

«وان کلاً لمتا لیوفینهم ربک اعمالهم» را چنین معنی کرده: «پروردگارت سزای اعمال همگی شان را تمام می دهد». در اینجا «ان» که برای تأکید است معنی نشده است .

- سوره نحل آیه ۲

کلمه «امر» را اگر به «فرمان» ترجمه نمی کرد بهتر بود، چون «امر» در این آیه نیز توأم با کلمه «روح» آمد و معنای خاص (در مقابل «خلق») از آن مراد شده است .

- سوره نحل آیه ۱۰

«فیه تسمیون» را چنین ترجمه کرده: «آن را می چرانید»، حال آنکه «در آن می چرانید» صحیح است .

- سوره نحل آیه ۹۲

«ان تکون امة هی اربی من امة» را چنین معنی کرده: از آن رو که گروهی از گروه دیگر بیشتر است . «بهتر بود چنین ترجمه می کرد: «از آن رو که گروهی خود از گروه دیگر بیشتر باشد .»

- سوره اسراء آیه ۱۶

«امرنا مترفیها» را چنین معنی کرده: «عیاشان را امارت دهیم». پیدا است که «امرنا» را به تشدید خوانده که قرائت شاذی است و با متنی که همراه ترجمه چاپ کرده سازگار نیست . به علاوه «ها» را نیز که در اینجا به «قریه» بر می گردد ترجمه نکرده است .

- سوره کهف آیه ۴۳ و ۵۰

«من دون الله» را «بجز خدا» و «من دونی» را «سوای من» معنی کرده، که «از عوض خدا» و «از عوض من» مناسب تر است .

- سوره مریم آیه ۲۱

«لنجعلها» را مفرد معنی کرده که جمع صحیح است .

- سوره طه آیه ۴۷

«انا» در ترجمه نیامده است .

- سوره طه آیه ۷۰

«القی السحرة سجدا» را چنین معنی کرده: «جادوگران سجده کنان خاکسار شدند». عبدالمحمد آیتی نوشته است: «جادوگران به سجده افکنده شدند»، و این بهتر است .

- سوره طه آیه ۱۰۴

«امثلهم طریقه» را «شایسته رفتارترشان» معنی کرده، در ترجمه کهن تاج التراجم (۳/۱۳۹۳) آمده است: «آن کسی که صواب رأی تر باشد از ایشان» و در یک ترجمه قدیمی دیگر آمده:



«آنکه در میان ایشان او را راستگوی تر دارند» (تفسیری بر عشری از قرآن مجید/ ۱۴۲) و مراد آیه همین است.

- سورة حج آیه ۴۶

«فانها لا تعمى الابصار و لكن تعمى القلوب التي فى الصدور» را چنین معنی کرده: «که غفلت دیدگاه را کور نمی کند بلکه دلها را کور می کند». این ترجمه چند اشتباه فاحش دارد. «تعمی» فعل متعدی نیست، و «ابصار» و «قلوب» هیچ یک مفعول نیستند و «ها» در اینجا ضمیر شأن و قصه است، و انگهی کلمه «غفلت» را از کجا آورده است؟ در ترجمه تفسیر طبری می خوانیم: «که آن نه کوری چشم است لکن کوری دلهاست آنک در سینه هاست» (۱۰۶۰/۴)

- سورة مؤمنون آیه ۵۴

«فذرهم» را جمع معنی کرده، که مفرد صحیح است.

- سورة مؤمنون آیه ۵۶

«نسارع لهم فى الخيرات» را چنین معنی کرده: «به خوبیها شتابشان می دهیم». در ترجمه کهن قرن پنجم یا ششم می خوانیم: «نیکی ای است که از ما زود به ایشان می رسد» (تفسیری بر عشری از قرآن مجید/ ۳۰۲). دانسته نشد پاینده چرا «هم» را مفعول گرفته است.

- سورة نور آیه ۳۱

«او نسائهن» را «یا زنان شان» معنی کرده که مراد «زنان همکیش شان» است.

- سورة نور آیه ۶۳

«الذین يتسللون منكم لو اذا» کلمه اخیر را در معنی لحاظ نکرده و نوشته است: «کسانی از شما که نهانی در می روند». منظور این است که در پناه دیگری در می روند. در همان ترجمه کهن آمده است «یکی ایش ایستایندندی و فرو مولیدندی» (۳۴۷).

- سورة نمل آیه ۲۵

«ما تخفون وما تعلنون» را «آنچه را نهان می کنند و آنچه عیان می کنند». ترجمه کرده که پیدا است فعل مخاطب است نه غایب.

- سورة نمل آیه ۵۴

«أتأتون الفاحشة و انتم تبصرون» را چنین معنی کرده «شما که بینش دارید چرا به این کار زشت رو می کنید». مقصود آیه این است که «آیا این گناه آشکار را پیش چشم یکدیگر مرتکب می شوید؟» در ترجمه تفسیر طبری آمده است: «همی کنید زشتی و شما همی بینید» (۱۲۰۶).

- سورة قصص آیه ۵۸

«نحن الوارثين» را معنی نکرده است.

- سورة روم آیه ۱۷

«فَسُبْحَانَ اللَّهِ» را «تسبیح خدا گویند» ترجمه کرده که «تسبیح خدا را» بهتر است .

- سورة روم آیه ۵۱

«وَلئن ارسلنا ریحاً فرأوه مصفراً» را چنین معنی کرده: «اگر بادی بفرستیم و آن را زرد کننده ببینید...». می دانیم که «ریح» مؤنث است و ضمیر «ه» به آن بر نمی گردد، احتمالاً مرجع ضمیر یا کلمه «سحاب» در آیه ۴۸ و یا آنکه کلمه مقدر «زرع» است. گذشته از این «مصفراً» به معنی زرد است و نه زرد کننده. پس معنی آیه چنین می شود: «اگر بادی بفرستیم که ابر را یا کشت را زرد ببینند»

- سورة لقمان آیه ۳۳

«و لا مولود هو جاز عن والده شیئاً» را چنین معنی کرده: «و فرزندی به چیزی کارساز پدرش نشود» که معنی ضمیر فصل «هو» را نیاورده است .

- سورة ص آیه ۸۴

«قال فالحق و الحق اقول» را چنین معنی کرده: «گفت به حق سوگند که بحق می گویم». «حق» را مقسّم به گرفته حال آنکه مبتدا است و خبرش محذوف است. معنی عبارت چنین می شود: «گفت حق است، و راست می گویم».

- سورة غافر آیه ۵

«فاخذتهم» را جمع معنی کرده که مفرد است .

- سورة شوری آیه ۳۵

«و یعلم الذین یجادلون فی آیاتنا» را چنین معنی کرده: «و کسانی که در آیات ما مجادله می کنند می دانند...». در حالی که درستش چنین است: «تا کسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند...»

رسال جامع علوم انسانی

- سورة محمد آیه ۲۵

«املی لهم» را «آرزومندشان کرد» معنی کرده، شاید «مهلت شان داد» صحیح تر باشد .

- سورة محمد آیه ۳۲

«سیحبط اعمالهم» را «اعمالشان محو خواهد شد» ترجمه کرده، که پیداست فعل را مجهول خوانده، حال آنکه فعل معلوم است و از باب افعال و فاعلش خدا .

- سورة فتح آیه ۲۶

«کانوا احقّ بها و اهلها» را چنین معنی کرده: «بدان و اهل آن سزاوارتر بودند». درستش چنین است: «بدان سزاوارتر بودند و شایسته اش بودند». در ترجمه تفسیر طبری آمده است «و بودند سزاوارتر بدان و سزای آن» (۶/ ۱۷۱۳).



- سورة نجم آیه ۱۱

«ما کذب الفؤاد ما رأى» را چنین ترجمه کرده: «قلب وی آنچه را بدید تکذیب نکرد»، که بر خلاف متن، کلمه «کذب» را مشدّد خوانده است. در ترجمه تفسیر طبری می‌خوانیم: «و نه دل دروغ گفت آنچه دید» (۱۷۶۲ / ۷)

- سورة الرحمن آیه ۷۰

«فیهن خیرات حسان» را چنین ترجمه کرده: «در آن نیک سیرت‌اند خوب صورت»، که از تأنیث و تنکیر در ترجمه خبری نیست.

- سورة واقعه آیه ۸۶

«ان کنتم غیر مدینین» را چنین معنی کرده: «اگر روز جزا را باور نمی‌دارید». دکتر ابوالقاسم امامی همین را چنین ترجمه کرده: «اگر کیفر ناشونده‌اید.» و این بهتر است.

- سورة حدید آیه ۲۵

«لیقوم الناس بالقسط» را چنین معنی کرده: «تا کسان عدالت کنند»، که باید چنین باشد «تا مردم عدالت را برپا دارند.»

- سورة طلاق آیه ۱

«لعل الله یحدث بعد ذلك امرا» را چنین ترجمه کرده: «شاید خدا بعد از این چیزی پدید آرد». منظور این است که «شاید خدا بعد از این فرمان تازه‌ای بدهد یا دستور تازه‌ای بفرماید» و عملاً هم چنین شد.

- سورة تحریم آیه ۱۲

«ومریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا» را چنین ترجمه کرده است: «و مریم دختر عمران که عورت خویش را نگه داشت و از روح خویش در او دمیدیم». درستش چنین است: «در آن دمیدیم» زیرا ضمیر «هـ» به مریم بر نمی‌گردد.

